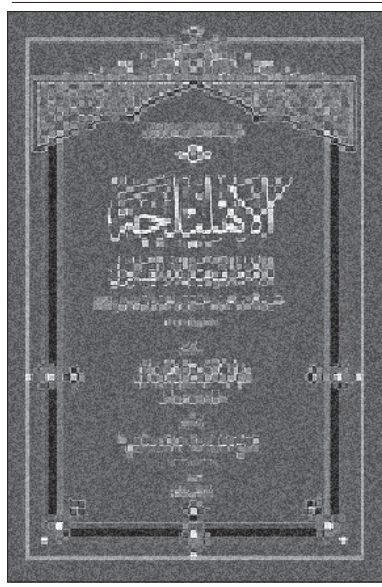


# الاهلیلجه

الاهلیلجه؛ مفضل بن عمر؛ تحقیق قیس عطار؛ قم؛ دلیل ما، ۱۳۸۵، ۱۸۸ صفحه.



می‌کنند، ولی انتساب ال‌اهلیلجه به مفضل صحیح نیست و چه بسا این انتساب غیر صحیح به دلیل این است که مفضل بن عمر آن را روایت کرده است.<sup>۵</sup>

درباره صحت این روایت باید گفت اولاً سند روایت صحیح

بوده و روایات صحیحی در مدح و فضل مفضل بن عمر و علاقه شدید امام صادق (ع) به مفضل بن عمر وارد شده است.<sup>۶</sup> دوم اینکه شهرت روایت، ضعف سند را جبران می‌نماید؛ همچنان که سید بن طاوس بر این مطلب شهادت داده است.<sup>۷</sup> سوم اینکه متن روایت نیز که مشتمل بر براهین و دلایلی قاطع خداشناسی است، شاهدی بر صدق روایت است.

این کتاب حاصل شرایط ویژه عصر امام است. عصری که اندیشه‌های انحرافی نمود و بروز یافته و در جامعه اسلامی مطرح می‌شد. راوی کتاب **الاهلیلجه**، مفضل بن عمر از اصحاب امام صادق است و روایاتی در مدح او از امام صادق، امام کاظم و امام رضا گزارش شده است.<sup>۸</sup>

صفحات آغازین کتاب‌نامه مفضل بن عمر به امام صادق (ع) است که از ظهور بی‌دینی و انحراف در جامعه اسلامی شکایت می‌کند و از امام راهی برای مواجهه با آنان طلب می‌نماید.

ال‌اهلیلجه نام کتاب اعتقادی روایی است که به املائی امام صادق، توسط مفضل بن عمر روایت شده است و در جلد سوم **بحار الانوار** آمده است. نیز این کتاب به صورت مستقل با تحقیق قیس عطار و به همت انتشارات دلیل ما در سال ۱۳۸۵ ش و در ۱۸۸ صفحه به چاپ رسیده است.

علامه مجلسی می‌نویسد: «کتاب ال‌اهلیلجه از امام صادق به روایت مفضل بن عمر است و آن مناظره امام صادق و طبیب هندی است در شناخت خداوند که به اقرار شخص هندی به الوهیت و وحدانیت خداوند منتهی می‌شود».<sup>۲</sup> این کتاب در واقع پاسخ مفصل امام صادق (ع) به سؤالی است که از سوی مفضل بن عمر جعفری از اصحاب آن حضرت مطرح شده است. مفضل بن عمر از امام صادق می‌خواهد ردیه‌ای بر کسانی که منکر توحید و الوهیت می‌شوند بنویسد. این کتاب با «بسم الله الرحمن الرحيم أما بعد وفقنا الله و ایاک لطاعته و أوجبنا بذلک رضوانه» آغاز می‌شود.<sup>۳</sup> **الاهلیلجه** کتاب پراهمیت و پرفایده‌ای است که از دیرباز مورد توجه علمای شیعه بوده است؛ به طوری که سید بن طاوس از آن تمجید کرده و به دقت نظر در آن سفارش می‌کند.<sup>۴</sup>

علامه مجلسی در صحت انتساب این کتاب به امام صادق می‌نویسد: این کتاب از امام صادق است که توسط مفضل روایت شده است. هرچند برخی از مخالفان این کتاب را به مفضل بن عمر منتسب

۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۲، ص ۱۴۰۴، ۳۲ ق.

۶. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ مدینة العلم، ج ۱۸، ص ۳۰۲.

۷. همان، ج ۱۸، ص ۳۰۲.

۸. همان، ج ۱۸، ص ۳۰۲، ۳۰۵.

۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۳، ص ۱۴۰۴، ۱۵۲ ق.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۴.

۳. تهرانی، آغاززگ؛ الذریعه؛ بیروت: دارالاضواء، ج ۲، ص ۴۸۴.

۴. ابن طاوس، علی بن موسی؛ الامان؛ قم: مؤسسة آل البيت، ص ۵۱، ۵۰، ۱۴۰۹ ق.

استخراج می‌کرد؟<sup>۱۳</sup>

امام صادق (ع) در بطلان ازلی بودن مخلوقات می‌فرماید: اگر بگویید که آسمان و انسان خود به وجود آمده‌اند، از شما می‌پرسم برخی از حیوانات مثل میمون و خوک چگونه خلق شده‌اند؟ آیا انسان آنها را خلق کرده است یا خودشان خود را خلق کرده‌اند و یا اینکه خالقی دارند؟<sup>۱۴</sup>

امام صادق سپس به منشأ الهی علم پزشکی اشاره کرده می‌فرماید: خداوند است که درمان امراض را در طبیعت به گونه‌های گیاهان و حیوانات مختلف قرار داده است.<sup>۱۵</sup> در ادامه امام صادق (ع) به نفی شریک خداوندگار و صفات خداوند می‌پردازد. مناظره امام صادق (ع) با طبیب هندی به ایمان طبیب به خداوند می‌انجامد.

### فهرست اجمالی کتاب الإهلیلجه بدین شرح است:

۱. رد انحصار فهم و درک به حواس پنجگانه
۲. رد شبهه تسلسل در آفرینش
۳. باطل بودن ازلی بودن آسمان‌ها
۴. وضع علم نجوم از سوی خداوند است
۵. منشأ الهی علم پزشکی
۶. نظام اهلیلجه دلیل وجود مدبر علیم و حکیم است
۷. نفی شریک خداوندگار
۸. صفات خداوند
۹. ایمان آوردن طبیب هندی به خداوند در پایان مناظره

نسخه‌های خطی کتاب الإهلیلجه در کتابخانه‌های ایران حدود ۴۷ نسخه است به شرح ذیل:<sup>۱۶</sup> کتابخانه آستانه حضرت شاهچراغ شیراز به شماره ۲/۲۳۹۵.

۱. کتابخانه آیت الله مرعشی قم به شماره ۱۰۲۰۹/۶، ۱۳۳۰۶/۳، ۱۰۴۴ عکسی، ۱۰۲۱/۲، ۱۰۶۱۰/۲، ۳۷۳۳/۲ و ۷۲۶۰/۵.
۲. کتابخانه پژوهشگاه علوم و تحقیقات اسلامی قم به شماره ۶۴۱/۴ و ۶۷۸/۲.
۳. کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد به شماره ۱۴۷۸۷/۵.
۴. کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۲/۲۰۹۰، ۷۱۴۳/۲، ۷۱۰۰/۴، ۱۵۶۰/۱، ۶۴۵۵/۳، ۵۰۲/۹ و ۱۱۳۱/۳.
۵. کتابخانه دایرة‌المعارف تهران به شماره ۲/۱۵۳۷ عکسی.

امام صادق ابتدا به برهان و دلایل آشکار آفاقی و انفسی خداوند صانع و قادر و غنی اشاره می‌نماید و بانیان انحراف و الحاد در جامعه را افرادی معرفی می‌نماید که ارتکاب گناه برایشان اهمیتی ندارد و درهای معصیت را بر روی خود گشوده‌اند و امیال نفسانی برایشان غالب گشته است. در ادامه امام صادق به مناظره‌اش با یک طبیب هندی اشاره می‌کند که این

طبیب برای درمان از گیاهی به نام اهلیلجه بهره می‌برده است و اعتقادات مخصوصی داشت. جاودانگی دنیا، نیروییدن درختی جز به افتادن درختی دیگر، عدم زندگی شخصی جز به مرگ شخص دیگر و عدم وجود هیچ برهان و دلیلی برای شناخت خداوند از اندیشه‌های انحرافی وی گزارش شده است.<sup>۹</sup>

سپس امام صادق خود انحصار فهم و درک به حواس پنجگانه را رد کرده و می‌فرماید: آیا ممکن است چیزی را که با حواس پنجگانه درک نمی‌شود، انکار کرد؟ آیا اگر ثمره درختی را ببینیم بدون اینکه اصل و درخت ثمر را با حواس خود ببینیم، می‌توانیم وجود درخت را انکار نماییم؟<sup>۱۰</sup>

با این بیان، امام وجود عالم بدون آفریننده را رد کرده و در باطل بودن تسلسل در آفرینش می‌فرماید: آیا ممکن است ثمره میوه‌ای را که درختش را نمی‌بینیم، بگوییم این ثمره درخت از ثمر دیگری بوده است؟ آیا ثمر دیگر نیاز به درخت و اصل ندارد؟<sup>۱۱</sup> امام درباره وحدانیت خداوند نیز می‌فرماید: تدبیر این امور همه به دست صانع واحدی است؛ چرا که اگر بیش از واحد تدبیر امور را در دست داشتند، تناقض و تضاد و عدم انضباط در امور عالم دیده می‌شد.<sup>۱۲</sup>

امام صادق (ع) در ادامه به باطل بودن ازلی بودن آسمان‌ها و مخلوقات اشاره کرده و وضع علم نجوم را از سوی خداوند دانسته و می‌فرماید: علم نجوم بر پایه حساب و فکراستوار است. آیا غیر از خداوند کسی در تنظیم حساب دخالت داشته است؟ خداوند نجوم و بروج فلکی را بر پایه نظم و حساب دقیق علمی بنیان نهاده است. اگر خداوند خورشید و ماه را با نظم و حساب دقیق نمی‌آفرید، چه کسی روزها و ماه‌ها را

لیریتة من الحوائج من يفعلون من الجسد ثمانية عشر مرة في اليوم  
 دیر، چون الله تبارک و تعالی جسد الانسان لا یغسله الا بالماء و لا یبرئ من  
 هو العافی و لا یبرئ منه الا بالماء و لا یغسله الا بالماء و لا یبرئ من  
 تقدم و دیر سمعت الحوائج الصمت ان امرها انزلت فانها  
 ویرتزل العوج والزین ویرتزل الام ان صدغین من الحوائج  
 حاله ان فعلها ان یسیرت جیسماً لا یبرئ الا بالماء و لا یغسل الا  
 طعن  
 لا یخلف من هذه المسئلة و قد جنت شیون لا اله الا الله علی هذه التات و ان  
 ما انبأک به درماریت فی مامک فی محلیک المسئلة ان فعل  
 ففی قد تجرت فی هذه المسئلة تلت شیون هل جلدت نفسک من  
 ارصاعة او باء او قدر شیون و ان امرها اذا اسکت قدره و ان فعلک  
 قال نعم لفت فضل شیون فذلک الفکر شیون من حوائج الالکات  
 انما تعلم ان الله یخبرک به تلت حقی قال العین هرزه فی ما یسیر  
 التلی من بیلا الشبر من نالی تلت ان شیون هرزه فی لاولک  
 لهن علم الفرم قال انک لانا من علم الابرار و ان یخبرک ما یبلغ  
 من علمها ان الله یخبرک عن علمه بصلیون نکتة لها تا سواها مات  
 نکتة و لا تجر ان لا یخبرک ان لا یخبرک الا شیون و ما ما یسیرت

۱۳. همان، ج ۳، ص ۱۷۲.

۱۴. همان، ج ۳، ص ۱۷۴.

۱۵. همان، ج ۳، ص ۱۸۷.

۱۶. درایتی، مصطفی؛ فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا): تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج ۲، ص ۲۹۱، ۲۹۲، ۱۳۸۹.

۹. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۳، ص ۱۵۳، ۱۴۰۴ ق.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۱۵۶.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۱۶۵.

۱۲. همان، ج ۳، ص ۱۵۹.

۱۶. کتابخانه ملک تهران به شماره ۲/۲۱۳۱.
۱۷. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۵/۱۲ و ۱۳۳۴.
- نسخه‌های خطی ترجمه فارسی **الإهلیلیجه** که در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود به شرح ذیل است:
- کتابخانه رضوی مشهد به شماره ۱۳۶۰۷، کتابخانه ملک تهران به شماره ۱/۲۷۲۰ و کتابخانه فیضیه قم به شماره ۲/۱۳۱۲،<sup>۱۷</sup>
- گفتنی است کتاب **الإهلیلیجه** امام صادق نباید با اهلیلیجه‌های دیگری که از اسماعیل بن مهران بن ابی نصر سکونی کوفی از اصحاب امام رضا<sup>۱۸</sup> و ابی جعفر حمدان بن معافی صبیحی از اصحاب امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیه‌السلام<sup>۱۹</sup> و **الإهلیلیجه** از ابی سلیمان داود بن کنیررقی<sup>۲۰</sup> نگاشته شده اند، اشتباه شود.
۱۷. درایتی، مصطفی؛ فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ج ۸، ص ۹۲۷، ۱۳۸۹.
۱۸. نجاشی؛ احمد بن علی؛ رجال نجاشی؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی؛ ص ۲۶.
۱۹. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث؛ ج ۶، ص ۲۵۱.
۲۰. نجاشی؛ احمد بن علی؛ رجال نجاشی؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی؛ ص ۱۵۶.

۶. کتابخانه شیخ حیدر علی مشهد به شماره ۲/۱۹۵.
۷. کتابخانه عمومی آیت‌الله گلپایگانی قم به شماره ۳/۵۱۵۱-۲۶/۳۱، ۳۱/۱۶۵-۲۴۸۵، ۳۱/۱۷۴-۶۲۹۴/۲، ۵۹/۱۷۱-۸۹۵۱/۳ و ۶۳۱۱-۳۲/۱۱.
۸. کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) تهران به شماره ۳/۶۰۶۲.
۹. کتابخانه مدرسه عوضیه قوچان به شماره ۲/۷۶.
۱۰. کتابخانه مدرسه غرب همدان به شماره ۲/۴۵۸۲.
۱۱. کتابخانه مدرسه نمازی خوی به شماره ۱/۶۳۹.
۱۲. کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۱/۹۹۴/۲، ۴۲۵۹/۲ و ۲۱۹۹/۱.
۱۳. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی مشهد به شماره ۳۰/۹۳۳.
- ۲۰۲۲، ۶۰۲۸، ۲۲۸۶۳، ۶۶۱/۲، ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۶۷۵۱، ۶۷۵۰ و ۱۶۵۰.
۱۴. کتابخانه مسجد اعظم قم به شماره ۲/۲۴۶ و ۵/۵۰۶.
۱۵. کتابخانه مسجد حظیره (سریزدی) یزد به شماره ۳/۸۷.

## تازه‌های نگارش و نشر

## مجید شاکر سلماسی

دانشجوی دوره دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

## معرفی اجمالی

# عقل و هستی در اندیشه ابن عربی

عقل و هستی در اندیشه ابن عربی؛ دکتر احمد صادقی؛ ترجمه محمد رضا وصفی و مسعود انصاری؛ چ اول، تهران: جامی، ۱۳۹۲، وزیری، ۷۴۴ صفحه.

**عقل و هستی در اندیشه ابن عربی؛ دکتر احمد صادقی؛ ترجمه محمد رضا وصفی و مسعود انصاری؛ چ اول، تهران: جامی، ۱۳۹۲، وزیری، ۷۴۴ صفحه.**

بنابر دیدگاه مترجمان «اشکالیه العقل والوجود فی فکر ابن عربی» یکی از روشمندترین متونی است که در شناخت و بررسی نظرگاه‌های شیخ محی‌الدین ابن عربی، عارف مشهور مغرب اسلامی، با نظر به پدیدارشناسی جهان غیب تألیف شده است. عنوان فرعی کتاب بحث فی فینومینو لوجیا الغیاب / پژوهشی در پدیدارشناسی عالم ناپیدا است. این کتاب نخست به زبان عربی توسط انتشارات دارالمدار الاسلامی در سال ۲۰۱۰م منتشر شده است. این اثر برنده جایزه کتاب سال کشور مراکش و همچنین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ است که براهمیت آن دلالت می‌کند. کتاب چند ویژگی بسیار مهم دارد که آن را از

متون تألیف یافته دیگر درباره شیخ العارفین متمایز می‌کند و جایگاهش را در عرفان پژوهی به طور عام و شناخت عرفان ابن عربی به طور ویژه مشخص می‌کند: نخست آنکه موضوع اصلی این کتاب راه‌بردن به جهان غیب از طریق پدیدارهاست که مؤلف با تسلطی که بر دانش یا روش «پدیدارشناسی» دارد، به‌راستی هم در گزارش مختصری درباره این دانش و نمایندگانش کاملاً موفق عمل کرده و هم بررسی اندیشه ابن عربی و نگرش او به جهان غیب را نظر به اصطلاحات بسیار رایج غیب، عالم غیب، غیاب، تجلی، ظهور و ... به‌درستی تشخیص



روش نمایش وجود/هستی، بر روش شناخت آن باشد. قرائتی که در آن انسان جدا از جهان و فراتر از آن نیست، بلکه جهان جزئی از ماهیت انسان و انسان بخشی از ماهیت جهان است. در نتیجه پرسشی که این پروژه می‌خواهد به آن پاسخ بگوید آن است که: پیوند پیچیده عقل و هستی در اندیشه ابن عربی را چگونه می‌توان فهمید؟ آیا وجود بر عقل دشوار می‌آید؟ آیا خرد می‌پذیرد که هستی بر او افزون آید؟ به ویژه آنکه وجود موضوع مشخص فلسفه است، ولی باید دید این پرسش‌ها با پدیدارشناسی چه پیوندی دارند؟... پدیدارشناسی جهان ناپیدا، موضوع این پروژه را هستی‌شناسانه می‌کند. امری که ضرورتاً خوانش موجود با رویکرد به وجود را از ما می‌خواهد... این پروژه، ضرورتاً ما را بر آن می‌دارد از فرصت‌های قرائت عرفان ابن عربی، برای درک رابطه‌ی پیچیده‌ی بین عقل و هستی و نیز [تعریف و] مرزهای آن آگاهی داشته باشیم، اما چنین کاری بس دشوار است...» (ص ۲۳-۲۵)

پنجم آنکه زبان برگزیده شده برای متن اصلی نظریه اصطلاحات رایج در مغرب اسلامی، به ویژه اصطلاحات و عبارات فلسفی. پدیدارشناسی که اصولاً توسط مولف عربی، برابرگزینی شده برگردان این اثر را دشوارتر کرده است، ولی به نظر می‌رسد، مترجمان بسیار تلاش کرده‌اند تا با دقت اصطلاحات را به فارسی برگردانند و در عین حال مراقب باشند فخامت و روح متن اصلی نیز در ترجمه حفظ شده باشد. بر کسی پوشیده نیست، برگردان چنین آثاری تا چه مایه دشوار است و مترجم با چه دشواری‌های دست‌وپاگیری مواجه است.

سرانجام موضوعات اصلی این کتاب که در سه بخش تدوین شده از قرار زیر است:

بخش نخست به چارچوب نظری و روش‌شناسی این تحقیق مربوط می‌شود و در آن برخی مباحث پدیدارشناسی با متمرکز شدن بر هوسرل و هایدگر بیان شده و مؤلف به توجیه فلسفی پدیدارشناسی غیاب پرداخته است. مباحثی از قبیل پدیدارشناسی هوسرل، روانشناسی و پدیدارشناسی، پدیدارشناسی بین روش و فلسفه، شهود فرد و شهود ماهیت، پدیدارشناسی و معضل ذهنی‌گرایی، مفهوم روی آوردنگی که همه اینها مباحث فصل نخست از باب اول این بخش را تشکیل می‌دهند. در فصل دوم این بخش، پدیدارشناسی و هستی‌شناسی از هوسرل تا هایدگر بررسی شده که پدیدارشناسی و ما بعدالطبیعه، مفهوم پدیده از پدیدارشناسی هوسرل تا پدیدارشناسی هایدگر، نیاز پدیدارشناسی به هرمنوتیک، اختلاف هستی‌شناختی یا از موجود به پدیده، موضوعات اصلی این فصل هستند.

در باب دوم بخش اول که عنوان «اندیشه ابن عربی بین سرچشمه‌ای الهی و نگارشی روشمند» عنوان یافته، در چهار فصل روش خوانش، نظام اندیشه اکبری بر پایه تناسب پنهان در قرآن کریم، روایت

داده و به دقت تحقیق کرده است؛ چنان که در مقدمه‌ای که دکتر عبدالمجید الصغیر به راستی مقدمه‌ای پرمحتواست. برای این کتاب نوشته می‌گوید: «چه بسا یکی از ویژگی‌های چنین اثر جدی‌ای که نیکبختیم، آن را امروز به خوانندگان [گرامی] عرضه داریم، آن است که مؤلف این کتاب، دکتر احمد الصادقی موفق شده است، همه آن پیش‌دآوری‌هایی را که درباره‌ی ارزیابی اندیشه صاحب فتوحات انجام گرفته است، بین دو گروه بگذارد (به تعلیق در بیاورد). وقتی مؤلف چارچوبی مناسب را برای شناخت اندیشه شیخ اکبر مقرر داشته؛ یعنی چارچوب شناخت‌شناسانه و هستی‌شناختی، توانسته به درست‌ترین رهیافت‌ها راه ببرد و پدیدارشناسی را به عنوان یک روش یا نگرش مناسب برگزیده که این، هر دو گستره پیش‌گفته را توانمندانه و کاملاً سراسر است فرا می‌گیرد. نظر به همین حقیقت اتخاذ روش برای انجام چنین پژوهش فلسفی ژرفی، گزینشی بسیار هوشمندانه بود. رویکردی روشمندانه که در آغاز مؤلف را بر آن داشت تا مفهوم خود پدیدارشناسی را به دقت مورد بررسی قرار دهد و پس از آن بخش مناسب‌تر آن را برگزیند تا با متن عرفان اکبری (عرفان ابن عربی) سازگار افتد. هیچ جای شگفتی نیست که مولف در پدیدارشناسی هایدگر، نمونه‌ای «هدایتگر» برای وقوف بر سودمندی این روش فلسفی یافته است و فایده‌اش در بازخوانش اندیشه ابن عربی است. با وجود آنکه، نظر به دشواری‌های شناخته شده در متن اکبری، در بردارنده نوعی خطرکردن واقعی نیز هست...» (ص ۱۶-۱۷)

ویژگی دوم کتاب آن است که مؤلف در پژوهش موضوعات اثر، کاملاً مستقل، غیر مدافعانه و کاملاً غیرمتکلمانه عمل کرده است، چنان‌که بایسته هر پژوهش فلسفی. نظری مستقل است. همین موضوع باعث شده که او چراغ پژوهش خود را بر کرانه‌های کاملاً نوینی بیفکند که در بسیاری از متون دیگر تاریک مانده است.

سوم آنکه این اثر پژوهشی صرفاً فلسفی نیست، بلکه کاملاً ویژگی‌های یک تحقیق عرفان نظری را نیز در خود نهفته دارد. هر چند دو اصطلاح پیردامنه «عقل» و «هستی- وجود» که در عنوان نیز تجلی یافته، محور بنیادین پژوهش مؤلف را تشکیل می‌دهد، اما هم «وجود» در این اثر در چارچوب نگرشی که ابن عربی دارد، مفهومی قطعاً ویژه و به طور مشخص فراگیر دارد و هم «عقل» که در اندیشه ابن عربی هر پژوهشگری ناگزیر باید آنها را هم فراگیرتر و هم ژرف‌تر درک کند. آن‌گاه رابطه بین آنها که موضوع اندیشه و منطق نگرش اوست و در پدیدارشناسی، به ویژه پدیدارشناسی هایدگر، نیز درک آن حائز اهمیت است، به درستی تبیین شده است.

چهارم آنکه مؤلف در مقدمه خود تصریح کرده است این پژوهش، پژوهشی هستی. پدیدارشناسانه است. «از این روی قرائت ما از اندیشه ابن عربی، می‌خواهد خوانشی هستی‌شناسانه باشد و غلبه در آن با



فیلسوفان، توسط ابن عربی و اعیان ثابت و بندگی مورد تحقیق قرار گرفته است.

عنوان باب چهارم، «مراتب وجود و حضرات و روابطش با نامهای الهی» است که در فصل اول به توضیح این اصل می‌پردازد که: «ظهور، محقق ساختن نامهای الهی در موجودات است». آن‌گاه در فصل دوم نام‌ها و اشیا را مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن موضوعاتی از قبیل عقل اول و لوح محفوظ و پیوندشان با دو نام بدیع و باعث، صورت و معنی در ابداع، عقل اول و امدادانش، عقل اول به اعتبار قلم، عقل و وجه شیء، طبیعت و هباء، جسم کل و شکل، عرش و کرسی، فلک اطلس و فلک منازل، آغاز آسمانهای هفتگانه و نام «رب» و جهان اجسام، ارکان و زاده شدگان اصلی‌ترین مباحث این فصل از باب چهارم، بخش سوم را تشکیل می‌دهند.

سرانجام باب پنجم تحت عنوان «خیال و حضرات وجودی» آمده است که مؤلف در فصل نخست این باب حضرت وجود و در فصل دوم «هستی و خیال» را بررسی می‌کند که مباحثی از قبیل مشروعیت خیالی، برزخی بودن خیال هستی، خیال بین قوت و ضعف، تجلی خیالی، خیال متصل و خیال منفصل، خیال، قلب و همت، جهان و رویا اصلی‌ترین موضوعات این بخش از پژوهش را تشکیل می‌دهند.

نظر به اهمیت این باب و نیز جایگاه خیال در اندیشه ابن عربی گزارش مختصر مؤلف درباره این باب می‌تواند روشن‌گر باشد: «باب پنجم، مسئله پیوند وجود و خیال را مطرح می‌کند، از این روی احساس کردم از مشروعیت (درستی) خیال سخن بگویم. مانند آنکه ابن رشد تلاش کرد، برای برهان مشروعیتی برآمده از شریعت ایجاد کند، ابن عربی برای خیال شرعی بودن برآمده از عبادت یافت. این برای آن است که مشروعیتی دیگر بیابیم که خود وجود را خیال اندر خیال فرض کند. پس هر دو برزخ هستند و در اینجا از چستی برزخ سخن گفتیم و از خیال منفصل و خیال متصل و رابطه‌ای که اقتضا می‌کند بین آنها وجود داشته باشد، به ویژه تجلی خیالی و مفهوم خلق و تجلی» (ص ۴۹-۵۰)

گفتنی است در پایان کتاب افزون بر فهرست منابع، نمایه مفصلی مشتمل بر آیات قرآن، احادیث، کسان و اصطلاحات عرفانی آمده است.

پدیدارشناسانه هانری کرین از محی الدین و هرمنوتیک شیخ اکبر بررسی شده و در پایان مؤلف اشارتی به موضوعات مهمی از قبیل ظاهر و باطن و مشکل فهم متن، عالم‌های چهارگانه و مشکل فهم، قرائت بین علم و فهم، ضوابط هرمنوتیکی شیخ اکبر و شرایط روحی مورد نیاز در تأویل اکبری داشته است.

بخش دوم به پدیدارشناسی عقل در اندیشه ابن عربی اختصاص دارد که در سه باب تدوین شده است: باب نخست: عقل در قوای ادراک (قوای حسی، متخیله، مفکره، عقلی و ذاکره) که در این فصل از باب نخست بخش دوم، نظر ابن عربی و فیلسوفان درباره جایگاه این قوا بیان شده است، اما در فصل دوم، محدودیت وظایف خرد؛ ۱. عقل بین حس و خیال، خطا کار کیست؟ ۲. برتری حس بر عقل. ۳. عقل بین قطع و یقین بررسی شده است.

باب دوم این بخش با عنوان «عقل و علم و پیروزی عقل قابل» عنوان یافته است که مؤلف در هفت فصل مفهوم علم و پیروی علم از معلوم، عقل بین اندیشه و پذیرش، خرد و همگونی، آیا ترک اندیشه رواست؟ عقل و آزادی، عقل و قلب و سرانجام خرد و کیمیای سعادت را بررسی کرده است.

موضوع سوم باب سوم این بخش با عنوان «خرد و هستی» در مقام «آری» و «نه» طرح شده که از یک مقدمه و دو فصل تشکیل می‌شود. فصل اول به حضور ابن رشد در اندیشه ابن عربی اختصاص دارد که مؤلف ابتدا نظرگاه‌های نصر حامد ابوزید و عبدالفتاح کیلیطورا را بررسی کرده و سپس گفتگویی فرضی با دکتر محمد المصباحی ترتیب داده است. در فصل دوم نیز مؤلف نظرگاه‌های خود را آورده است.

بخش سوم که تقریباً بخش اصلی کتاب نیز هست «پدیدارشناسی وجود در اندیشه ابن عربی» را گزارش می‌دهد که از پنج باب تشکیل شده است. باب نخست، عنوانی با عبارت «جهان بین ابن عربی و فیلسوفان» دارد که در پنج فصل، موضوعات جهان‌فراروی انسان، جهان بین نشانه و دلیل، جهان بین علت و دهش، نشانه‌ها و مقولات بررسی نظریه صدور فلسفی مورد تحقیق قرار گرفته‌اند.

عنوان باب دوم «عین وجود و پدیدارشدن آن یا تقاطب تکمیلی» است که یک مقدمه، سه فصل و یک نتیجه دارد. موضوع فصول عبارتند از: هستی‌شناسی ماهیت و هستی‌شناسی عرض، وجد و وجود، به عنوان آستانه‌ای بین طرفین است که به ویژه فصل سوم بسیار پرمحتواست و وحدت وجود، بین وحدت و کثرت، وحدت وجود بین تنزیه و تشبیه، وحدت وجود بین حق و خلق، وحدت وجود تجربه‌ی فنا و بقا و وحدت وجود و مسئله ظاهر و باطن موضوعات اصلی آن را تشکیل می‌دهد.

باب سوم به «پدیدارشدن هستی» اختصاص دارد و در فصول این باب اعیان ثابت و وحدت وجود و بررسی مفهوم «ممکن بذاته» نزد

# معناداری گزاره‌های دینی: نقد و بررسی ملاک تحقیق‌پذیری

معناداری گزاره‌های دینی: نقد و بررسی ملاک تحقیق‌پذیری؛ نقدعلی، محسن؛ تهران: دانشگاه امام صادق (ع). ۱۳۹۱، ۱۹۱ صفحه.

## اشاره

محسن نقدعلی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، در کتاب حاضر به نقد و بررسی ملاک تحقیق‌پذیری می‌پردازد. یکی از مسائل عمده در معرفت‌شناسی دینی، اثبات معناداری گزاره‌های دینی است؛ چون قبل از بحث در مورد صدق و کذب باید نشان داد که گزاره‌های دینی معنا دارند. پیش‌فرض معناداری نزد گذشتگان نیز مطرح بوده و آنها دو ملاک را برای معنادار بودن جمله مدنظر داشتند: یکی معنادار بودن مفردات و دیگری رعایت نکات و قواعد نحوی و دستوری.

فلاسفه دین سنتی گمان می‌کردند که همواره می‌توان به نحو معناداری در باب خدا و دیگر گزاره‌های دینی و کلامی سخن به میان آورد. آنان عمدتاً می‌پنداشتند که به طور کلی یک قضیه یا گزاره برای اینکه صادق باشد، تنها نیازمند یک ملاک است. اگر گزاره‌ای فلسفی بود از راه استدلال و اگر علمی از راه مشاهده می‌توان صدق یا کذب آن را نشان داد. اینها همه ملاک صدق این گزاره‌ها بودند. در واقع در کلام سنتی تعیین صدق و کذب گزاره‌های دینی محل اصلی مناقشه بود و هیچ‌کس در اصل معناداری گزاره‌های دینی تردید روانی داشت، اما با پیدایش مکتب پوزیتیویسم منطقی عده‌ای از فلاسفه تحلیلی مشرب اصل معناداری گزاره‌های دینی را مورد تردید قرار دادند و با معیاری به نام «اصل تحقیق‌پذیری»، مدعی شدند که گزاره‌های دینی فاقد محتوا و مضمون معرفت‌بخش‌اند و بر هیچ امر واقعی دلالت ندارند و از این رو حکم یا تصدیق به معنای دقیق کلمه به شمار نمی‌آیند.

در واقع با رواج تدریجی تجربه‌گرایی در معارف بشر، به ویژه پس از هیوم و تردید در اعتبار واقعی بودن معارف عقلی به ویژه فلسفه محض،

الهیات طبیعی نیز به سوی تجربی شدن قدم برداشت و از این راه اولین و مهم‌ترین مسئله‌ای که در پیش رو وجود داشت، مسئله زبان و واقع‌نمایی و ملاک معناداری آن بود.

پوزیتیویست‌ها نشان دادند که میان صدق و کذب، رابطه عدم و ملکه است، نه سلب ایجاب؛ زیرا نخست باید دید آیا گزاره مورد نظر قابلیت صدق و کذب را دارد یا خیر. گزاره‌ای معنادار است که یا صادق است که کاذب. پس گزاره‌ها نه دو احتمالی، بلکه سه احتمالی‌اند. بی‌معنا، صادق و کاذب. در حقیقت پوزیتیویست‌ها فلاسفه را به فراموشی یک گام متهم کرده‌اند. آنان پیش از آنکه سخنی از صدق یا کذب قضا یا بگویند، باید به این امر می‌پرداختند که آیا این گزاره معنادار است یا خیر. اگر بی‌معنا است، دیگر نمی‌توان در مورد آن سخنی از صدق یا کذب گفت. پوزیتیویسم منطقی به سرعت به مکتبی فراگیر تبدیل شد، ولی به همان سرعتی که در ابتدا رشد کرده، پس از مواجه شدن با مشکلات متعدد، تقریباً از میان رفت؛ هر چند تأثیراتی بر نحوه تفکر و استدلال و منطق زبان گذاشت. اصلی‌ترین آموزه آن مکتب، یعنی اصل تحقیق‌پذیری، معناداری گزاره‌های متافیزیک، اخلاق و الهیات را مورد هجوم قرار داد. اینها مدعی شدند که گزاره‌های دینی و فلسفی نه تحلیلی‌اند و نه به لحاظ تجربی تحقیق‌پذیر، پس فاقد معنای شناختاری‌اند و مضمون معرفت‌بخش ندارند.

در ادامه به معرفی اثری که به این موضوع پرداخته و ابعاد و زوایای این بحث را واکاوی کرده می‌پردازیم.



## معرفی اثر

کتاب حاضر در چهار فصل تدوین شده است که عبارتند از:

## کلیات

**فصل اول:** پیشینه ملاک تحقیق پذیری در فلسفه و الهیات

**فصل دوم:** نظریه ابطال پذیری

**فصل سوم:** نقد و بررسی ملاک تحقیق پذیری و ابطال پذیری

در بخش کلیات، چهار موضوع اصلی به صورت کلی بررسی شده تا جایگاه بحث تا حدودی مشخص شود. مبحث اول به معرفت‌شناسی خاص یا معرفت‌شناسی مضاف اختصاص دارد. در این بخش نویسنده معرفت‌شناسی خاص و ویژگی‌های آن و تفاوتی که با معرفت‌شناسی عام دارد را چنین توضیح می‌دهد: «افزون بر مباحث عام معرفت‌شناسی که از نوع معرفت‌شناسی پیشینی است، نوع دیگری از معرفت‌شناسی وجود دارد که به حوزه‌ها و محدوده‌های خاص (نه کلی و مطلق) معرفتی می‌پردازد. به این نوع، معرفت‌شناسی خاص اطلاق می‌شود که طبعاً از نوع معرفت‌شناسی پسینی است. معرفت‌شناسی عام، علم تولیدکننده است و معرفت‌شناسی مضاف مصرف‌کننده؛ مانند نسبتی که میان اصول فقه و فقه است. بنابراین آغاز راه معرفت‌شناسی عام است و مقصد، معرفت‌شناسی خاص».

بخش دوم به تحدید چهارواژه کلیدی (دین، ایمان، باور دینی، معرفت دینی) که در این بحث از آنها استفاده شده می‌پردازد تا ضمن واضح و آشکار شدن معنای مورد نظر از سوء تفاهم‌ها و نزاع‌های بی حاصل جلوگیری شود.

دین در غرب عنصری دو وجهی است که گاهی بر بعد معرفتی، آموزه‌ای و اعتقادی آن تأکید رفته است و زمانی جنبه احساسی، عاطفی و درونی آن مورد توجه قرار گرفته است. میان این دو نظر نزاعی نیست؛ زیرا دین وجوه و ابعاد متفاوتی دارد. شاید یکی از بهترین و جامع‌ترین دیدگاه‌ها در این زمینه، نظریه نینیان اسمارت باشد که گفت: «دین شش بعد کلی دارد بدین قرار: عقیدتی، اسطوره‌ای، اخلاقی، تجربی، اجتماعی و عبادی». دین در اصطلاح قرآنی به طور کلی بر مجموعه عقاید، قوانین و مقررات و آدابی اطلاق می‌شود که برای اداره و پرورش جامعه انسانی باشد که اگر این مجموعه از سوی خداوند تنظیم و تشریح شده باشد، دین حق بوده و مفاد آن با مقتضای فطرت انسانی کاملاً سازگار و هماهنگ خواهد بود.

پاسکال ایمان را چنین تعریف می‌کند: «ما دلیلی له یا علیه خداوند نداریم. در عین حال ناگزیریم میان باور به وجود او و باور به عدم او یکی را برگزینیم. حال که با فقدان دلیل مواجهیم، باید به دنبال جانشین باشیم. ایمان بهترین جایگزین دلیل است» و تفسیر متفکران شیعه از ایمان، این است که ایمان معادل معرفت است. ایمان چیزی جز تصدیق و معرفت نیست و محل ایمان قلب است.

معنای دقیق معرفت‌شناختی باور دینی این است که اگر گزاره‌ای برگرفته از دین به انسان عرضه شود و ذهن مفاد آن گزاره را بپذیرد، در این صورت باوری دینی پدید آمده است. معرفت دینی باوری است صادق و موجه. باور دینی آن‌گاه معرفت‌زاست که عقلانیت دین را موجه سازد و از این راه است که صدق یک باور دینی تضمین می‌شود.

بخش سوم این فصل معرفت‌شناسی دینی است. معرفت‌شناسی دینی یکی از شاخه‌های معرفت‌شناسی خاص است که به تجزیه و تحلیل در آنچه که دین‌داران معرفت دینی می‌شمارند می‌پردازد. این تجزیه و تحلیل‌ها انواع و اقسام مختلفی دارند که محور تمام آنها معرفت دینی است. معرفت‌شناسی دینی نگاهی است از بیرون به آنچه در حوزه معرفت دینی می‌گذرد. در واقع معرفت‌شناسی دینی از نوع معرفت‌های پسینی است؛ یعنی خود معرفتی است ناظر به معرفت دیگر که از اوصاف و احوال آن گزارشگری می‌کند.

زبان دین مبحث آخر این فصل است. بحث از زبان دین، بر دو سنخ بحث مشتمل است: ساختار زبان وحی و ساختار زبانی گزاره‌های کلامی.

فصل اول چنان که از عنوان آن مشخص است، پیشینه ملاک تحقیق پذیری در فلسفه و الهیات را بررسی می‌کند. در این فصل پوزیتیویست منطقی و اصل تحقیق پذیری آن به تفصیل واکاوی می‌شود.

زمینه تاریخی، تشکیل حلقه وین، از هم گسیختگی حلقه وین، دامنه نفوذ پوزیتیویسم منطقی و ... از جمله مباحث مطرح شده در قسمت اول این بخش است. قسمت دوم در رابطه با مهم‌ترین انتقادی که بر اصل اساسی مکتب پوزیتیویسم منطقی وارد شده، اصل تحقیق پذیری، صحبت می‌کند.

مشخص‌ترین، مدعیانه‌ترین و معارضه‌جوترین آموزه پوزیتیویست‌های منطقی، اصل تحقیق پذیری است. حلقه وین اصل تحقیق پذیری را ملاکی کامل برای معناداری گزاره‌ها دانست. آنان اعلام کردند که شرط لازم برای معنی محصل داشتن هر جمله یا گزاره یا قضیه این است که باید به صورت قضیه‌ای بیان شود که یا تحلیلی باشد یا از نظر تجربی تحقیق پذیر. به اعتقاد پوزیتیویست‌های منطقی این اصل، محال بودن متافیزیک را مبرهن می‌کند و ثابت می‌کند که علوم تجربی تنها روشی است که به مدد آن می‌توان معرفتی در باب جهان حاصل کرد. پوزیتیویست‌ها احکام فلسفی را فاقد معنا می‌دانستند. به نظر کارناپ، فلسفه می‌بایست نه احیا که الغا شود. تأثیر دیگر پوزیتیویست‌ها در منطقه اخلاق است. پوزیتیویست‌ها همگی هر نوع اخلاق متعالی و هر کوششی برای تمسک به ساخت ارزش‌ها را که فراتر از عالم تجربه باشد، طرد و تخطئه کردند. از نظر آنان احکام ارزشی چون قابلیت تحقیق تجربی را ندارند، فاقد معنای

به دلیل ایرادات و اشکالاتی که بر اصل تحقیق پذیری وارد شد، عده‌ای ملاک تأیید پذیری و برخی نیز آزمون پذیری را در مورد معناداری گزاره‌ها مطرح کردند و البته این دو ملاک نیز با مشکلات خاص خود مواجه شد، از این رو عده‌ای بر آن شدند تا ملاک ابطال پذیری را مطرح نمایند. این ملاک ابتدا توسط پوپر، آن هم نه به عنوان ضابطه‌ای برای تمییز عبارات معنادار از بی‌معنا، بلکه به عنوان معیاری برای جداسازی علم از غیر علم پیشنهاد شد. به گمان پوپر، پوزیتیویست‌ها با اتخاذ اصل تحقیق پذیری به راه اشتباه رفته‌اند.

در ادامه این فصل، نظریه تحقیق پذیری و فرجام‌شناختی جان هیک که هم از نظر تاریخی مؤخر از ابطال پذیری و هم به صورت منطقی متوقف بر آن است، مطرح شده و شرایطی که هیک در مورد اثبات ذکر می‌کند، تحلیل شده است.

در نهایت در فصل سوم به نقد و بررسی مطالب بیان شده در فصل‌های یک و دو در مورد ملاک تحقیق پذیری و ابطال پذیری پرداخته شده و در آخر نیز دلایلی که باعث افول این مکتب شده مطرح شده است.

معرفت بخش بوده و باید کنار گذاشته شوند. در تفسیر پوزیتیویست‌ها، متافیزیک آکنده از احکام بی‌معناست. حتی دین نیز از جریان تأثیرات و تلویحات و تبعات پوزیتیویستی مصون نماند و اصول معناداری تجربی به حریم دین هم رخنه کرد.

بسیاری از فلاسفه معاصر با بیان اینکه ما موضوع تحقیق پذیری را پشت سر گذاشته‌ایم، با دیده شک و تردید به این موضوع می‌نگرند و اهمیت چندانی برای آن قائل نیستند، ولی باید توجه داشت که به دلیل تأثیراتی که این مکتب در حوزه‌های مختلف داشت که هنوز نیز آثار آن باقی است، ضرورت پرداختن به این بحث احساس می‌شود. در واقع حساسیت این مطلب در این است که اگر به گفته‌های پوزیتیویست‌ها تن دهیم، متافیزیک، اخلاق و الهیات از بن، فاقد معنا می‌شوند.

در فصل دوم، یکی از نظریه‌های مهم دیگری که به عنوان ملاک معناداری مطرح شده، یعنی ملاک ابطال پذیری مطرح و تحلیل و بررسی می‌شود. در این فصل نظریه ابطال پذیری و نظریات سه فیلسوف برجسته (آنتونی فلو، ریچارد هر و بازیل میچل) مطرح شده است.

### نیره خداداد شهری

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیمی دانشگاه الزهراء

### تازه‌های نگارش و نشر

#### معرفی اجمالی

# دانشنامه فلسفه اخلاق

دانشنامه فلسفه اخلاق؛ ادواردز، پل؛ بورچرت، دونالد؛ ترجمه انشاءاله رحمتی؛ تهران: نشر سوفیا، ۱۳۹۲، ۹۲۶ صفحه.

#### مقدمه

ضرورت و اهمیت طرح مبحث اخلاق بر کسی پوشیده نیست، از جمله اهداف اساسی دین و دینداری این است که اخلاق برای خود اخلاق و برای بشر محترم باشد تا آدمیان بتوانند با زیستن بر اساس اصول و اوامر اخلاق، زندگی شایسته‌تری داشته باشند. به یک معنا، دین در خدمت اخلاق است. البته نمی‌توان همه ساحت‌های دین را به اخلاق تنزل داد، ولی بخش عمده‌ای از دین و نیز اساس دین، بدون اخلاق قابل فهم نیست. بارزترین وجه بزرگان دین که آنان را در نظر انسان‌های عادی بزرگ جلوه می‌دهد، همین پایبندی‌شان به فضیلت‌های اخلاقی است.

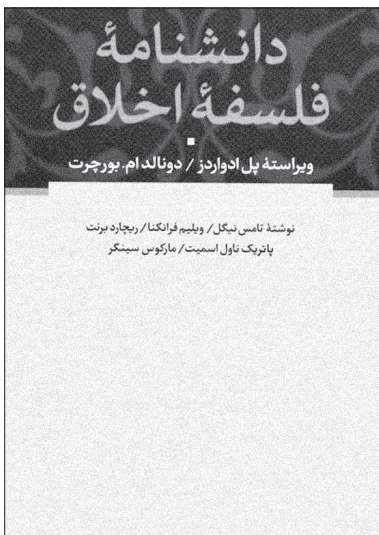
علامه جعفری در کتاب اخلاق و مذهب در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق عبارت است از انجام کار نیک و دوری از کار زشت با بهره‌برداری از آزادی؛ یعنی بدون اینکه صدور آن کار از ما به جهت عوامل مکانیکی

صد درصد مشخص شده باشد. البته ریشه اساسی آن هم عبارت است از همان جستجوی کمال»<sup>۱</sup>.

فلسفه اخلاق با این بُعد از تجربه ما از ارزش، یعنی با اندیشه اخلاقی سروکار دارد.

فلسفه اخلاق علمی است که از مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق بحث می‌کند؛ یعنی هم تصورات و مفاهیمی را که در علم اخلاق و جملات آن به کار می‌روند توضیح می‌دهد و هم مسائلی را که پرداختن به تصدیقات و جملات اخلاقی متوقف به بررسی و حل آنها است مورد

۱. جعفری، سیدمحمدتقی؛ اخلاق و مذهب؛ تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۷۹، ص ۵۹.





بحث قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

به اعتقاد جوزفسون، اخلاق‌گرای آمریکایی قرن بیستم و بیست و یکم، دلیل توجه به اخلاق دو نشانه بارز است: اول نقش مهم و پرمعنای رفتار اخلاقی در حفظ و بقای یک جامعه مدنی و دوم وجود تعدادی پرشمار از نمونه‌های ضد اخلاقی.

بخش عمده‌ای از بی‌اخلاقی‌های افراد به یک معنا، معلول جهل اخلاقی و غفلت اخلاقی آنان است. البته واقع‌بینانه نیست که گمان کنیم با صرف برطرف کردن جهل و غفلت اخلاقی می‌توان نابسامانی جامعه را اصلاح کرد. بی‌اخلاقی و بد اخلاقی در یک جامعه، علل مختلفی می‌تواند داشته باشد و طبعاً اصلاح آن هم نیازمند تشریح مساعی متخصصان در حوزه‌های مختلف، از جمله جامعه‌شناسان، روانشناسان، عالمان دینی و فیلسوفان در عین برقراری ارتباط سازنده با اقشار مختلف جامعه است.

در کشور ما هر چند در میان نخبگان، تأملات فلسفی و نظری در مورد اامعه حضور ندارد. به همین دلیل در آثار نسبتاً پر تعدادی که در زمینه اخلاق منتشر می‌شود و در اختیار طیف وسیعی از خلاق معمول و متداول است، ولی این تأملات آن‌گونه که باید در لایه‌های دیگر مخاطبان قرار می‌گیرد، ضعف‌هایی به چشم می‌خورد. مباحث این کتاب‌ها، غالباً تکراری و کلیشه‌ای‌اند و اگر نوآوری‌هایی داشته باشند، این نوآوری‌ها سطحی و صوری است. در آنها مرز روشنی میان تعالیم دینی و اخلاقی وجود ندارد و در نتیجه دلایلی که برای اثبات مدعیات و دستورالعمل‌هایی اخلاقی اقامه می‌کنند، صرفاً دلایل روایی است.

بیشتر فیلسوفان پرداختن به مباحث اخلاقی به این شیوه را وظیفه ناگزیر خویش می‌دانسته‌اند و دانشی که امروز به نام «فلسفه اخلاق» معروف است، رهاورد تلاش‌ها و تأملات این قبیل فیلسوفان است. به طور کلی این فیلسوفان برآنند که اخلاق تابع معیارهایی قابل شناخت است و قبل از شناخت آن معیارها، تصمیم، داوری، نقد و توصیه اخلاقی امکان‌پذیر نیست.<sup>۳</sup>

بنابراین می‌توان گفت هنر اخلاقی زیستن، عبارت از این است که آدمی اولاً شناخت خویش نسبت به حقایق مربوط به رفتار اخلاقی خویش (اعم از حقایق اخلاقی و غیر اخلاقی) را بالا ببرد. در ثانی بتواند تعارض میان عقل و اداره را به تعامل میان آنها بدل کند.

پدیده اخلاقی زیستن آدمیان، یکی از نهادهای اجتماعی ثابت و مشترک در تمام جوامع بوده که تا کنون از درون آن هفت «علم»

۲. اخلاق حرفه‌ای کتابداران و اطلاع‌رسانان؛ تالیف و ترجمه انجمن کتابداری قم؛ تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۷، ص ۱۷.

۳. همان‌طور که مولا علی (ع) در پاسخ به شخصی که در جنگ جمل در شناخت حق دچار سردرگمی شده بود فرمودند: اعرف الحق تعرف اهله.

سربرآورده است: این علوم عبارتند از: ۱. پدیدارشناسی اخلاق. ۲. روانشناسی اخلاق. ۳. جامعه‌شناسی اخلاق. ۴. تاریخ اخلاقی زیستن (زیست اخلاقی انسان‌ها). ۵. تاریخ مکاتب، نظام‌ها و نظریه‌های اخلاقی. ۶. اخلاق مقایسه‌ای. ۷. فلسفه اخلاق.

این تقسیم‌البنه نه بنا بر حصر عقلی که به حصر استقرایی است و به مرور زمان تعداد علوم می‌پردازند، بیش از این خواهد شد.<sup>۴</sup> در حوزه دانش فلسفه اخلاق یا اخلاق‌شناسی، چهار نوع پژوهش قابل تشخیص است: اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری، روانشناسی اخلاق، فرااخلاق یا اخلاق تحلیلی.

سنت دانشنامه‌نگاری در عرصه فلسفه همواره مناقشه‌انگیز و پر جدل بوده است؛ چرا که گردآورندگان و ویراستاران دانشنامه‌های فلسفه با توجه و تأکید نسبت به سنت فلسفی‌ای که از آن برخاسته‌اند، به ارزش داوری در باب مفاهیم، اصطلاحات و اشخاص پرداخته‌اند. این رویکرد گردانندگان و ویراستاران دانشنامه‌های فلسفه از سویی سودمند است؛ زیرا خوانندگان را با فضای یک سنت فلسفی در دانشنامه آشنا می‌کند. به عبارتی خوانندگان می‌توانند با نگره‌های فیلسوفان یک مکتب به سایر مکاتب، مصطلحات و اشخاص بنگرند. از سوی دیگر، چنین رویکردی یک سوئیه و غیر سودمند است؛ چرا که شاید برخی از جریان‌ها و اشخاص در عالم فلسفه بنا بر صلاح‌دید گردانندگان و ویراستاران حذف شوند و اگر آن‌ها را لزوماً تحریف ندانیم، دست کم تداعی‌کننده‌گونه‌ای تعصب است که به هیچ وجه قابل قبول نیست.

در نوشتار حاضر برآنیم تا دانشنامه فلسفه اخلاق، ویراسته پل ادواردز و دونالد ام. بورچرت را معرفی کنیم. دانشنامه فلسفه اخلاق، گزیده‌ای هدفمند از دانشنامه فلسفه است که انشاءاله رحمتی (مترجم اثر) از میان ۱۵۰۰ مدخل «دانشنامه فلسفه» ادواردز که حاصل همکاری بیش از ۵۰۰ متخصص بوده، ۶۸ مدخل درباره اخلاق را گزینش کرده و به عنوان یک کتاب مستقل و با عنوان «دانشنامه فلسفه اخلاق» به چاپ رسانده است.

### معرفی پل ادواردز و دایره‌المعارف فلسفه

پل ادواردز (آیزنشتاین) در ۲ سپتامبر سال ۱۹۲۳ در وین در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمد. جنگ جهانی دوم، خانواده آیزنشتاین را به مهاجرت وادار کرد و پل دوره دبیرستان خود را با نام خانوادگی جدید «ادواردز» در ملبورن گذراند. او سپس رشته فلسفه دانشگاه ملبورن را برای ادامه تحصیل انتخاب کرد و لیسانس و فوق‌لیسانس خود را از همین دانشگاه گرفت. دوره دکتری را در نیویورک به پایان رساند و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. هنگامی که پایان‌نامه دکتری‌اش را می‌نوشت و چون با شکاکیت برتراند راسل درباره باور دینی هم‌عقیده

۴. ملکیان، مصطفی؛ مراسم رونمایی از دانشنامه فلسفه اخلاق؛ برگرفته از سایت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

به فیلسوفان غربی بپردازد، اما در باب محاسن دایرة المعارف پل ادواردز باید گفت: انتخاب موضوعات و نویسندگان هر یک از چنان قوتی برخوردار است که عمده حوزه‌های مهم فلسفه اخلاق را پوشش می‌دهد.<sup>۶</sup>

دو نکته قابل توجه درباره این دانشنامه اینکه کتاب عمدتاً به فلسفه غرب نظر دارد و کمتر به فلسفه شرق، یعنی هند، چین و ژاپن و آنچه به عنوان فلسفه اسلامی می‌شناسیم پرداخته است. نکته دوم مربوط به روش کتاب است که روش فلسفه تحلیلی است. بنابراین مدخل‌هایی که در کتاب آمده، به ندرت به فلسفه فاره‌ای یا بزراروپا (مثل فلسفه آلمان، فرانسه و ایتالیا) پرداخته است. بنابراین فلسفه‌ای که در کتاب به آن پرداخته شده در واقع فلسفه آنگلو ساکسون، یعنی فلسفه انگلیس، آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند است. این دو نکته را باید از جمله محدودیت‌های کتاب به شمار آورد.<sup>۷</sup>

در ادامه تنها به ذکر عناوین مدخل‌ها بسنده می‌کنیم تا خوانندگان با مباحث مطرح شده در این دانشنامه آشنا شوند و بتوانند در پژوهش‌های خود از آنها بهره‌گیرند.

فلسفه اخلاق، مسائل فلسفه اخلاق، تاریخ فلسفه اخلاق، قاعده زرین، تنگناهای اخلاقی، قواعد و اصول اخلاقی، اخلاق غایت‌گرا، پیامدگرایی، خودگرایی اخلاقی، فایده‌گرایی، اخلاق وظیفه‌گرایانه، امر مطلق، تکلیف، وجدان، اخلاق کانتی، نظریه ناظرآرمانی، دین و اخلاق، نظریات مبتنی بر امرالهی درباره اخلاق، ارزش و ارزشیابی، اخلاق فضیلت، فضائل و رذائل، خوب یا خیر، سعادت، لذت‌گرایی، اخلاق تکاملی، اخلاق فمینیستی، برابری اخلاقی و اجتماعی، اخلاق کاربردی، اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی، اخلاق زیست محیطی، حقوق و بهروزی حیوانات، روانشناسی اخلاق، خویش‌کامی، غیرگرایی، خودگرایی، احساسات اخلاقی، ضعف اراده، اراده‌گرایی، موجبیت‌گرایی، مسئولیت اخلاقی و حقوقی، توانستن، تشابه معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق، فرااخلاق، حس اخلاقی، عقل عملی، عقل‌گرایی در فلسفه اخلاق، عینیت در فلسفه اخلاق، توجیه اصول اخلاقی غایی، درونی‌گرایی و برونی‌گرایی در فلسفه اخلاق، شکاکیت اخلاقی، نسبیت‌گرایی اخلاقی، ذهنی‌گرایی اخلاقی، نظریه عاطفی در فلسفه اخلاق، واقع‌گرایی اخلاقی، عینی‌گرایی اخلاقی، طبیعت‌گرایی اخلاقی، شهودگرایی اخلاقی و ...

بود، با وی مکاتبه کرد و دوستی عمیقی بین این دو پدید آمد.<sup>۵</sup> اثر بسیار معروف و ماندگار وی، «دایره‌المعارف فلسفه» است که می‌توان گفت جامع‌ترین و عمیق‌ترین اثر از نوع خود در زبان انگلیسی (و حتی در همه زبان‌ها) است. این دانشنامه نخستین بار در سال ۱۹۶۷ به سر ویراستاری پل ادواردز در هشت جلد، در قطع رحلی منتشر شد و سعی شده بود که همه مباحث رشته‌های مختلف فلسفه در آن گنجانده شود. شیوه کار این‌گونه بود که در هر مدخل افزون بر ارائه گزارش جامعی از موضوع مورد بحث، نویسنده یا نویسندگان آن مدخل به نوعی دیدگاه‌ها و مواضع خویش در خصوص موضوع را نیز ارائه می‌کردند. زندگی پل ادواردز در ۹ دسامبر ۲۰۰۴ به پایان می‌رسد و سرویراستاری ویرایش دوم این اثر در سال ۲۰۰۶ به دونالد ام. بورچرت واگذار می‌شود.

### معرفی مترجم

انشاءاله رحمتی در سال ۱۳۴۵ در شهرستان ملایر در روستان دوریجان دیده متولد. در سال ۱۳۶۴ در شاخه فلسفه رشته الهیات دانشگاه تهران پذیرفته شد و فوق لیسانس خود را در رشته فلسفه اسلامی از همین دانشگاه کسب کرد. پس از پذیرفته شدن در مقطع دکتری تخصصی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به استخدام دانشگاه آزاد تهران مرکزی درآمد. وی با رتبه دانشیاری به تدریس فلسفه اسلامی، منطق، کلام جدید، متون فلسفی و عرفانی به زبان انگلیسی، فلسفه دین در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری اشتغال دارد. او سردبیر و مدیر مسئول ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت است که تا کنون حدود نود شماره از آن منتشر شده است.

### معرفی اثر

همان طور که عنوان شد، اثر حاضر گزیده‌ای از دانشنامه فلسفه است که حاوی ۶۸ مدخل است. هدف دانشنامه فلسفه اخلاق آن است که بخشی از تحقیقات و تأملات فیلسوفان اخلاق در اختیار کسانی قرار بگیرد که ضرورت تامل و اجتهاد روشمند در حوزه اخلاق را درک کرده‌اند و می‌دانند که باید برای این هدف، مبانی لازم را تحصیل کرد.

مداخل این دانشنامه بر خلاف مداخل دایره‌المعارف فلسفه که ترتیبی الفبایی دارند، به صورت موضوعی تنظیم شده است و این امر استفاده از این دانشنامه را آسان‌تر می‌کند. دانشنامه مذکور مرجع ارزشمندی برای مطالعه عالم فلسفه از نگره سنت فلسفه تحلیلی است.

کتاب حاضر در اصل دایره‌المعارف «فلسفه» است و مباحث فلسفه اخلاق بخشی از آن به شمار می‌رود. همین امر باعث شده تا به برخی موضوعات مهم این حوزه کمتر پرداخته شود یا مثلاً نتواند به بیان متوازن مباحث فیلسوفان شرق (همچون ابن سینا)، نسبت

۵. جلیلوئید، سیدهادی؛ «معرفی تحلیلی؛ بار دیگر دایره‌المعارف فلسفه پل ادواردز؛ پل ادواردز در یک نگاه»؛ کتاب ماه فلسفه، شماره ۲۷، ص ۷۱.

۶. جوادی، محسن؛ مراسم رونمایی از دانشنامه فلسفه اخلاق؛ برگرفته از سایت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۰ خرداد ۱۳۹۳.

۷. ملکیان، مصطفی (۱۰ خرداد ۱۳۹۳). مراسم رونمایی از دانشنامه فلسفه اخلاق. برگرفته از سایت دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.